

حَبْلُ الْمَتِينِ (5) : آیا به حُکام و اهل قدرت می‌توان امید داشت؟



یکی از مسائلی که بعد از قضیه بیت‌المقدس و موضوع "اصلاحات" در سکتور امنیتی افغانستان در میان تعدادی‌ها داغ شده این است که می‌گویند: حزب‌التحریر از یکسو نظام‌های حاکم در جهان اسلام را نامشروع و مقامات آن را فاسد می‌داند؛ ولی از سوی دیگر، حزب بالای این قشر تمرکز نموده و توقع حمایت، طلب نصرت و تسلیمی قدرت را از آنها دارد. این گروه از مردم، حزب‌التحریر را به یک بازی دوگانه و اتخاذ رویکرد متناقض در برابر قضایای سیاسی متهم می‌کنند.

در این مسأله واقعیت پیچیده و در عین حال مهمی نهفته است؛ انسان‌های که درک درست و عمیق از نصوص و از واقعیت‌های جامعه ندارند و همه مسایل را از ورای منطق و منطق بازی می‌بینند و دید همه‌جانبه‌ی سیاسی ندارند، از این مسأله سر در نمی‌آورند. برای حل این پیچیده‌گی نیاز است تا به تاریخ انبیاء علیهم

السلام و آیات قرآنی رجوع گردد که حین مواجهه با چنین وضعیتی چه موقف داشتند و در این باب چه ارشادهای را ایراد فرموده‌اند. الله سبحانه و تعالی در سوره «طه» در مورد دعوت موسی علیه السلام با فرعون چنین فرموده:

اَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿٤٣﴾ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لِّعَلَّهٗ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ ﴿٤٤﴾ [طه: 43-44]

هر دو [موسی و هارون] به سوی فرعون بروید؛ زیرا او [در برابر خدا] سرکشی کرده است. پس با گفتاری نرم به او بگویید، امید است که هوشیار شود و [آیین حق را بپذیرد] یا بترسد [و از سرکشی باز ایستد].

یعنی الله سبحانه و تعالی به موسی و هارون علیهما السلام دستور می‌دهد تا فرعون را بسوی حقیقت دعوت کنید، ممکن است وی این دعوت و رهنمایی را قبول و لبیک گوید و از الله سبحانه و تعالی بترسد. فرعون که دعوی خدایی می‌کرد و به کسی تسلیم نبود و برای حفظ قدرت و حکومتش از هیچ نوع ظلم و استبدادی دریغ نمی‌کرد، تا جایی‌که اطفال نوزاد را نیز به قتل می‌رساند. اما با وجود این همه جنایت و خباثت، الله سبحانه و تعالی به پیامبرانش دستور می‌دهد که وی را دعوت کنید تا شاید آیین حق را بپذیرد و از عناد و سرکشی و جهل مرکب خویش دست بکشد.

در ضمن، اکثر انبیاء علیهم السلام به‌خصوص رسول الله صلی الله علیه وسلم به همین طریقه برای تغییر جامعه دعوت می‌کردند تا زورمندان فاسد و اهل قدرت را جزء از دعوت خویش بسازند و شخصیت‌های آنان را بنفع اسلام تغییر دهند. بی‌جهت نبود که پیامبر صلی الله علیه وسلم در کنار دعوت مردم عام به بزرگان قبایل و قدرتمندان قریش مانند: شیبه، ولید بن مغیره، ابن هشام [ابوجهل]، حضرت عمر و دیگران نیز توجه داشت و آنان را به اسلام دعوت می‌کرد و در یکی از دعاهایش می‌فرمود: «یا الله! دین اسلام را با مسلمان شدن هر کدام از این دو مردی که نزد تو محبوبتر باشد: عمر بن الخطاب یا ابوجهل بن هشام، تقویت بفرما!»

پس از آن‌جایی‌که، طریقه‌ی کار پیامبر اسلام برای ما «أسوه حسنه» است، ما هم ضرور است که برای تغییر جوامع فاسد فعلی قدرتمندان، جنرالان و زورداران را دعوت نماییم و حامی خویش بسازیم.

در این‌جا درس بسیار مهمی که وجود دارد این است: ما نباید در هنگام دعوت و حمل اسلام به دیگران دچار یأس و ناامیدی شویم، به خصوص زمانی‌که طرف مقابل ما انسان‌های فاسد، ظالم و شرارت‌پیشه باشد. چون ما از آینده و نتیجه‌ی کار آگاه نیستیم که آیا این فرد ظالم و فاسد دعوت ما را قبول می‌کند یا رد؟ چه بسا انسان‌های زیادی در تاریخ زیسته‌اند که در یک مقطع کمر دشمنی و

عداوت را با اسلام و مسلمانان بسته اند، اما حین رسیدن دعوت حقّ به آنان، به اسلام گرویدند و از پیشقراولان حمل اسلام شدند.

با این حال، وقتی این موضوع را در قرآن می‌خوانیم یا در سیره پیامبر متوجه می‌شویم، و با در نظر داشت آن وضعیت نظام‌های مستبد و شرارت‌پیشه‌ی فعلی را مطالعه می‌کنیم به این نتیجه می‌توانیم برسیم که نظام‌های فعلی رُخ دیگری از سلسله حکومت فرعونیان در روی زمین اند، با این تفاوت که سبک و سیاق این نظام‌ها و عناصر دخیل در آن متفاوت‌تر از زمان موسی علیه السلام و فرعون یا زمان پیامبر اسلام است.

با در نظر داشت نکات بالا، کسانی‌که توانایی مادی در اختیار دارند تا حزب‌التحریر را نصرت داده و خلافت راشد را تأسیس نمایند، بصورت مشخص کسانی دیگری نیستند مگر رهبران سیاسی و اردوهای مسلمان. هر چند، تعدادی از آنان فاسد و جزء از نظام‌های طاغوتی فعلی هستند، اما با آن هم این گروه باید دعوت شوند و پیام حقّ به وجه احسن برای شان رسانده شود. چون بهرحال، جزء امت اسلامی هستند، اما فضا و افکار غلط آنان را به فساد و بیراهه کشانیده. پس باید بجای توهین و فحش، حذف و طرد آن‌ها؛ با آنان مهربانی، شفقت و رحم پیشه نموده و پیام حقّ به آنان رسانده شود و برای برپایی دولت اسلام بالای آنان کار صورت گیرد تا حمایت شان جلب گردد و همه در یک صف واحد بصورت دسته‌جمعی برای برپایی زندگی اسلامی انرژی و تلاش شان متمرکز و بسیج سازند.

بناء، وقتی الله سبحانه و تعالی این پیام را برای پیامبران‌ش داده که فرعون و اهل قدرت در جامعه را دعوت کنید، امکان دارد تا از غفلت دست کشیده، هوشیار شوند و تغییر کنند؛ پس ما چرا به این نتیجه‌ی اشتباه برسیم که دعوت قشر متنفذین، رهبران سیاسی و قومی، زورمندان جامعه، جنرالان ارتش و قوماندانان یک مسأله متناقض و ناامید کننده است. این قشر ولو که با هر نوع فساد و ظلم آغشته باشند، صرفنظر از همه تعلقات آنان، من حیث مسلمان شمرده می‌شوند و بایست دعوت حقّ برای شان رسانده شود.

حزب‌التحریر همچو بعضی از گروه‌ها معتقد به "سیاست حذف" نیست؛ بلکه باور دارد که قشر زورمندان جامعه باید جزء جدایی ناپذیر از دعوت خیر و عظیم برای برپایی دولتی باشند که پیامبر بزرگ اسلام صلی‌الله علیه وسلم آن را در مدینه بناء نهاد بود و به مدت سیزده صد سال بر بلندای سیاست و رهبری جهان قرار داشت، اما به علت غفلت و انحطاط مسلمان‌ها و توطیه‌چینی‌های غرب به سقوط مواجه شد. پس برپایی این دولت که امام ابوحنیفه رحمه‌الله علیه آن را «مادر تمام فرض‌ها» خوانده است تنها وجیبه‌ی حزب‌التحریر نه؛ بلکه مکلفیت تمام مسلمان‌ها بویژه قشر زورمندان و جنرالان می‌باشد.

ناگفته نباید گذاشت، دعوت‌گران باید بدانند که زندگی پروسه‌ی ابتلاء [افشاسازی] است و ما وقتی بهترین امت هستیم که دعوت اسلام را به مردم و جوامع حمل نماییم. پس بدین اساس، ما مکلف هستیم تا همان‌طوری که رسول الله صلی‌الله علیه وسلم به مردم اسلام را حمل نمود و در روز قیامت بر آنان شاهد می‌باشد، مکلفیت ما را هم شهادت بر سایر امت‌ها و مردم تعیین کرده است. بناء، اگر کسی دعوت بسوی حق را نپذیرد، می‌توانیم در روز حشر این شهادت را اداء نماییم که ما برای شان دعوت را رسانده بودیم. از همین جهت، ما امت دعوت، سیاست، جهاد و شهادت هستیم.

آخر الامر این خود رهبران و جنرالان هستند که تصمیم می‌گیرند که راه هدایت را می‌گیرند و نام شان را در تاریخ منحیث شجاعان و حامیان حق به ثبت می‌رسانند که نهایت آن کامیابی عظیم و نعمت‌های بزرگ جنت است، یا نام شان را در لیست بزدلان تاریخ درج می‌کنند که روسیاهی و سرافکندگی در دنیا و آخرت عاقبت کار شان خواهد بود.

مصدق سهاک

عضو دفتر مطبوعاتی حزب‌التحریر - ولایه افغانستان